

کارون، ریرا، یوسف

شعر از: شادی سائجی



یوسف شهلی بر-۱۴۰۳

ریرا اسماعیلیون-۱۳۹۸

کارون پورحاجی زاده-۱۳۷۷

- ۱ کثافت کاری_ تحمیل گشته بر تن_ کارون_ زیبارو،
- ۲ کثافت کاری_ تحمیلی پیوسته بر خون اش و آن یک پیکر_ کوچک،
- ۳ نبوده هرگز و هرگز یکی یک یادبود_ کوچکی اما برای او،
- ۴ برای کودک غزه، هزاران نوع مراسم های پیوسته،
- ۵ برای آن یکی چندی که کودک بوده در تاریخ_ اسلامی،
- ۶ برای آن علی اصغر، که صدها نوع مراسم های آخوندی!،
- ۷ تمام کودکان_ آن عرب گشته، مقدم بر همین کودک به ایرانی!

- ۸ علی اصغر به قرن هفت میلادی، و کودک غزه گان بیست و یک
- ۹ در قرن میلادی، مقدم تر و اعلی تر به این یک کودک شمسی ایرانی!
- ۱۰ گرفتگی ناگرفتی یک مراسم ها برای آن یکی کارون و آن ریرا؟
- ۱۱ گرفتگی ناگرفتی یک مراسم ها برای کودک مقتول ایرانی، چنین تنها؟
- ۱۲ به یاد خون کارون ام، روان گشته به روی فرش کرمان ها،
- ۱۳ به یاد جسم ریرایم، کباب چون قناری گشته در پرواز، آن بالا!
- ۱۴ نبودی یک پشیمانی، که از کارون حاجی زاده ی معصوم تا ریرای اسماعیل،
- ۱۵ چه خون های فراوانی روان گشته برای روی فرش ایرانی ز کودک ها!
- ۱۶ نگفتی جایگاه کودک مقتول ایرانی کجا باشد به تاریخان حالاها؟
- ۱۷ نگفتی کودک مقتول ایرانی، عزاهایی برایش هم شود ترتیب، آن بالا؟
- ۱۸ نگفتی کز همان کارون کرمانی و تا این یوسف شهلی بری، چندی
- ۱۹ خودت گشتی تمام کودکان خرد و ریز خطه ی ایران و ایرانی؟
- ۲۰ نگفتی کز شمار کودکان خطه ی ایران، به چندی خاکشان کردی؟
- ۲۱ نگفتی کودک ایران چه مظلوم است در این خطه ی ویران؟

- ۲۲ نگفتی کودکِ ایران چنانش پشت او خالی است در ایران ؟
- ۲۳ بگو اینک که عصیان کرده این شاعر، برای یوسفِ شهلای بر تنها !
- ۲۴ بگو خشمِ دماوندی فرو پاشد به بیرونی، هزار اشکِ گدازه
- ۲۵ بر تن ویرانه ی تهران ! بگو تفتانِ تفتیده چنان قلب اش کباب
- ۲۶ از ماجرایِ قتل های زشت بر این کودکانِ خطه ی زخمینِ این ایران !
- ۲۷ بگو آن یک سهند وُ آن دنا گریند با برفی، به روی قبرِ این صد کودکِ ویران !
- ۲۸ بگو الوند، عارش شد که با چشم اش چنان بیند مزار بی گلی بر کودکِ ایران !
- ۲۹ بگو تکبیر فرمانده ! بگو تکبیر فرمانده ! که کودک ها به زیرِ پات له گشته !
- ۳۰ و کارون جان وُ ربرا جان وُ یوسف جان که می گفتند: "فرمانده ! بیا خونِ مرا پس ده!"

۱۳ مارس ۲۰۲۵ برابر با ۲۳ اسفند ۱۴۰۳

فرانسه ، در سایه سار دریاچه، حومه ی اندیشه ورزی برای ایران و ایرانی

پانوشت شعر:

از طرف خودم در آستانه ی تولد بهار و تولد نوروزی دیگر، یاد و نام سه شکوفه ی نازنین ناشکفته ی بهاری، کارون پور حاجی زاده کودک ۹ ساله، ریرا اسماعیلیون کودک ۹ ساله و یوسف شهلی بر کودک ۵ ساله که توسط حاکمیت جمهوری اسلامی به ترتیب در سالهای ۱۳۷۷ (شهریور)، ۱۳۹۸ (دی ماه)، ۱۴۰۳ (اسفندماه) به قتل رسیدند را گرامی می دارم. تازیانه های پلید قتل های سیاسی حکمرانان بر تن کودکان ایران هم می خورد، اما ناله و فریاد آقایان جمهوری اسلامی فقط برای علی اصغر صحرای کربلا و کودکان فلسطین و غزه بلند است! شرم بلند تاریخ بر شمایان باید که تنها خواری و خفت را برای ایران و ایرانی و کودک ایرانی روا کردید !

****کلیه حقوق این شعر محفوظ است و شامل قانون مالکیت روشنفکری می باشد، هرگونه کپی**

برداری و سرقت جزبی و کلی از آن اکیدا ممنوع است. این شعر متعلق به شادی ساجی میباشد. باز

نشر این شعر بدون هرگونه تحریف و ارجاع دهی به آن مجاز می باشد. هرمتنی صاحب حقوق است،

حقوق روشنفکری متن و خالقیت ادبی متن ، که آن را باید به رسمیت بشناسیم .